

رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن (در بین زنان و مردان ۲۰ تا ۵۹ سال ساکن تهران)

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۰، شماره اول: ۳۹-۶۵

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

خدیجه سفیری^۱

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا

ندا گلبهاری

کارشناسی ارشد پژوهشگری دانشگاه الزهرا

پذیرش ۹۲/۴/۱۴

دریافت ۹۰/۴/۲۹

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی ارتباط میان سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن در بین زنان و مردان ۲۰ تا ۵۹ سال ساکن تهران و با تکیه بر نظریات پیر بوردیو انجام گرفته است. این پژوهش درواقع به دنبال یافتن پاسخ این سوال است که سرمایه‌ی فرهنگی چگونه در ارتباط با مدیریت بدن قرار می‌گیرد و چه عوامل یا متغیرهای دیگری می‌توانند در جرح و تعدیل این ارتباط دخیل باشند. جمعیت نمونه‌ی این کار تحقیقی براساس فرمول کوکران و با بهره‌گیری از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب گردیدند که شامل ۳۵۰ نفر می‌شوند. هم‌چنین روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش و ابزار اصلی گردآوری اطلاعات در آن، پرسش‌نامه است.

نتایج حاصل از آزمون‌های هم‌بستگی و تجزیه و تحلیل داده‌ها در این اثر حاکی از وجود روابط معنادار و مستقیم بین میزان سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن می‌باشند. هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهند که بین سن، جنس، وضعیت تاهل، دین‌داری و هم‌چنین پایگاه اجتماعی اقتصادی با مدیریت بدن ارتباط معنادار وجود دارد. درضمن ۳۵,۵ درصد از تغییرات (واریانس) مدیریت بدن توسط این گروه از متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. کلیدواژگان: سرمایه‌ی فرهنگی، مدیریت بدن، دین‌داری.

^۱ . پست الکترونیکی نویسنده‌ی رابط: m_safiri@yahoo.com

۱- مقدمه و طرح مسئله

تاملی بر رویکردهای جامعه‌شناختی بدن اذعان می‌دارد در دنیای متجدد کنونی نه تنها نمی‌توان بدن را صرفاً به عنوان موجودیتی فیزیولوژیکی در نظر گرفت بلکه باید به آن به مثابه یک مقوله‌ی اجتماعی نگریست که از دوران کودکی و طی فرایند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد و تحت تأثیر بازتابندگی عصر جدید نیز تغییر می‌پذیرد. به عبارت دیگر بدن امروزه باتوجه به دامنه‌ی وسیع امکاناتی که جهت دست‌کاری، کنترل و نظارت بر ظواهر زندگی وجود دارد، از هر لحاظ در اختیار تأثیرات بازتابی جامعه‌ی امروزمین قرار گرفته و به ابزاری تبدیل شده است که افراد به وسیله‌ی آن به ایجاد، انتقال و حتی تغییر معنا می‌پردازند و در نتیجه بیش از هر زمان دیگری قادرند با توسل به شیوه‌های گوناگون مبتنی بر بدن با یکدیگر تعامل برقرار سازند.

از سوی دیگر مفهوم بدن چنان با تعاریف ذهنی ما از هویت و خویشن آمیخته است که معمولاً وقتی ناخودآگاه از خود سخن می‌گوییم کلیت ذهنی و جسمی خویش را توأمان در نظر داریم (اباذری و حمیدی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). و این بدان معناست که در دنیای مصرفی امروز باتوجه به گستره‌ی متنوع انتخاب‌هایی که ولو در چهارچوب محدودیت‌ها، در پیش روی همگان قرار دارد، سیمای ظاهری هر فرد و شکل جسمانی او شاید بیش از هر چیز دیگری پاسخی است برای این پرسش که من کیستم؟!.

به بیانی دیگر می‌توان گفت امروزه افراد برای ایجاد و انتقال معانی دل‌خواه و مورد نظر خود، از بین گزینه‌های بی‌شماری که جهت دست‌کاری و نظارت بر بدن و ظاهر جسمانی‌شان دارند، دست به انتخاب می‌زنند و بدین وسیله سعی دارند تصویری دل‌خواه از خویش را برای دیگران روایت کنند.

اگر کلیه اقداماتی را که جهت نظارت و دست‌کاری ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن انجام می‌شود تحت مفهوم مدیریت بدن گرد آوریم، با مسئله‌ی پراکندگی گونه‌های مختلف مدیریت بدن روبه‌رو خواهیم شد که دامنه‌ی وسیعی از فعالیت‌ها را دربرمی‌گیرد. روش‌های مختلف کنترل وزن، مراقبت‌های پزشکی از قبیل معاینات ویژه‌ی تشخیص سرطان پستان یا معاینات چشم‌پزشکی، امور آرایشی و پیرایشی، جراحی‌های زیبایی، الگوهای متنوع پوشش و همچنین نمایش بدن در سطوح مختلف به‌هنگار یا نابه‌هنگار، همگی گستره‌ی انتخاب‌هایی را دربرمی‌گیرند که برای ارائه‌ی تعریفی از کیستی و درواقع هویت خود ناچار به گزینش (!) از بین

آن‌ها هستیم و به‌نظر می‌رسد چگونگی و مکانیسم این گزینش بسته به بافت و زمینه‌ی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم تغییر می‌پذیرد.

این موضوع به‌خودی‌خود امری طبیعی و قابل قبول است اما مسئله از آن‌جا آغاز می‌شود که با مقایسه‌ی آمارهای موجود در زمینه‌های مختلف مرتبط با مدیریت بدن، به‌نظر می‌رسد می‌توان به تفاوت‌های معناداری قائل بود که در جای خود مهمند و قابل تامل. جهت تفسیر بیش‌تر این امر به ارائه‌ی آمارهایی می‌پردازیم که هر یک با بخشی از فعالیت‌های مرتبط با مدیریت بدن ارتباط دارند.

«روزان نیوز» در مردادماه ۸۹ طی خبری اعلام کرد: برداشتن بخشی از چربی‌های بدن از طریق لیپوساکشن در حال حاضر شایع‌ترین عمل پس از جراحی بینی است. آمارهای مربوط به جراحی لیپوساکشن جهت رفع چربی‌های اضافی بدن و تناسب اندام درحالی صادقند که بنابر گفته‌ی مشاور رئیس سازمان تربیت بدنی در اسفند ماه ۱۳۸، در ایران تنها ۵٫۹۲ درصد مردم ورزش می‌کنند درحالی که در کشوری مثل سوئد این رقم معادل ۵۱ درصد یعنی چیزی حدود هشت و نیم برابر کشور ایران است (www.19dey.com). بنابراین این امر که افراد مختلف از بین دو گزینه‌ی کوتاه‌مدت ولی پرریسک جراحی و بلندمدت اما تضمین‌شده‌ی ورزش و رژیم غذایی، کدام‌یک را به‌منظور حذف چربی‌های اضافی بدن انتخاب می‌کنند و این انتخاب تحت تاثیر چه عواملی صورت می‌پذیرد در جای خود مهم و قابل بررسی است.

بحث جراحی‌های زیبایی را که کنار بگذاریم و از زاویه‌ی مراقبت‌های پزشکی به فعالیت‌های مرتبط با مدیریت بدن بنگریم، آمارهای منتشرشده درمورد شیوع سرطان پستان توجه را به خود جلب می‌کند. دکتر آسیه الفت‌بخش، عضو هیات علمی پژوهشکده‌ی سرطان با اعلام این‌که این نوع سرطان، شایع‌ترین نوع سرطان در بین انواع سرطان‌های زنان کشور است افزود: هر سال ۸۰۰۰ هزار مورد جدید از ابتلا به این بیماری در زنان شناسایی می‌شود. هم‌چنین بنا به گفته‌ی دبیر کمیته‌ی کیفیت زندگی در این کنگره، می‌توان از ورزش به‌عنوان یکی از عوامل موثر در کاهش سرطان پستان یاد کرد (www.mardomsalari.com). این آمار درحالی جاری است که بنا به گزارش سایت «پزشکان بدون مرز» علی‌رغم شیوع این سرطان، انجام آزمایشات مداوم و توجه به‌موقع به علائم از رسیدن آن به مرحله‌ی پیشرفته ممانعت کرده و آن را تحت کنترل درمی‌آورد (www.pezeshk.us).

اما آمارهای منتشرشده درمورد پوکی استخوان نیز قابل توجهند. به گزارش «همشهری آنلاین» و به نقل از وزیر بهداشت در تیرماه ۹۱، ۵۰ درصد مردم ایران به استئوپروز (پوکی استخوان) و استئوپنی (کاهش تراکم استخوان) دچار هستند. بنا به گزارش این سایت تحرک و انجام ورزش‌هایی از قبیل پیاده‌روی که وزن بدن را تحمل می‌کند به کاهش بروز پوکی استخوان کمک می‌کنند (www.hamshahrionline.ir).

مقایسه‌ی آمارهای ارائه‌شده در بخش جراحی‌های زیبایی و به‌ویژه جراحی زیبایی پستان با آنچه درمورد شیوع سرطان پستان و پوکی استخوان در ایران گفته شد، چنین می‌نمایاند که گویی توجه زیبایی‌محور به بدن علی‌رغم خطرات و عوارضی که ممکن است به دنبال داشته باشد نسبت به توجه سلامت‌محور باوجود در دسترس بودن راه‌های پیش‌گیری از ابتلا، از فراوانی بیش‌تری برخوردار است.

از بحث‌های مراقبت‌های پزشکی هم که بگذریم در چند سال اخیر شاهد فعالیت گشت‌های ارشاد در شهر تهران بوده‌ایم؛ مامورینی که چگونگی پوشش و آرایش عابرین پیاده را زیر نظر دارند و عابرینی که باوجود احتمال مواجهه و برخورد با واحدهای گشت ارشاد یا حتی تجربه‌ی این امر هم‌چنان با پوشش‌هایی در معابر و اماکن عمومی ظاهر می‌شوند که در چهارچوب پوشش‌های تعریف‌شده برای مامورین این گشت‌ها قرار نمی‌گیرند. در مواجهه با چنین موضوعی این سوال مطرح می‌گردد که چه عامل یا عواملی باعث می‌شود افراد این ریسک را بپذیرند و با ظاهر دل‌خواه و گاه ناهم‌نوی خود در معابر عمومی ظاهر شوند و از نگاهی دیگر این گروه از افراد با گروه دیگر که پوشش‌های به‌ظاهر موجهی دارند در چه ویژگی‌هایی مشابه یا متفاوتند؟ بدین ترتیب نگاهی دوباره به مباحث صورت‌گرفته نشان می‌دهد مدیریت بدن موضوعی است که حداقل در جامعه‌ی ایران، به‌لحاظ جامعه‌شناختی اهمیت ویژه‌ای دارد و بنابراین می‌تواند موضوع مورد بررسی یک طرح تحقیقی باشد.

اگر بخواهیم به این سوال کلی که انتخاب شیوه‌های مختلف مدیریت بدن چگونه و بر مبنای چه مکانیسمی صورت می‌پذیرد پاسخ دهیم باید کمی به عقب برگردیم. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم امروزه بدن نقشی بسیار فراتر از یک موجودیت فیزیولوژیکی دارد و درواقع به ابزاری برای پرسش‌های معطوف به کیستی و هویت تبدیل شده است. درواقع ما با انتخاب از بین گزینه‌های متعددی که در پیش رو داریم، شیوه‌ی مدیریت بدن خاص خودمان را برمی‌گزینیم تا

تصویری را که دوست داریم از خود به دیگران ارائه دهیم. بنابراین بدن در این‌جا چنان نقشی پیدا خواهد کرد که می‌توان از آن به‌عنوان «بعد نمادین» هویت نام برد. در نتیجه جهت تعیین عواملی که انتظار می‌رود در چگونگی مدیریت بدن نقش داشته باشند باید به‌سراغ متغیرهایی رفت که می‌توان از آن‌ها با عنوان عوامل هویت‌ساز یاد کرد؛ عواملی از قبیل زبان، جنس، دین، تحصیلات، دانش، مهارت‌ها و سلاقی و علایق زیبایی‌شناختی که هر یک به‌نوعی در ایجاد تمایزات و تشابهات فردی و اجتماعی دخیل هستند.

کنکاش پیرامون موضوع بحث و بررسی شواهد تجربی و نظری در این زمینه و بیش از هر چیز دغدغه‌ی ذهنی محقق در انتخاب موضوع تحقیق، ما را بر آن داشت تا از مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی برای پاسخ به پرسش‌های خود پیرامون مدیریت بدن استفاده کنیم.

از نظر پیر بوردیو، نخستین نظریه‌پرداز سرمایه‌ی فرهنگی، این سرمایه مجموعه‌ای از دانش عینی، ترجیحات و مهارت‌های فرهنگی و همچنین ویژگی‌های صوری (از قبیل داشتن مدارج دانشگاهی یا گذراندن آزمون‌های موسیقی) را دربرمی‌گیرد که در طول زمان به‌واسطه‌ی اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود (اسمیت ۱۳۸۳: ۲۲۱؛ با ارجاع به دانیلسن و هانسن به‌نقل از مجمع ۱۳۸۷: ۱۱۵). بدین‌ترتیب با تاملی دوباره پیرامون مفهوم هویت و سرمایه‌ی فرهنگی می‌توان گفت از سرمایه‌ی فرهنگی نیز می‌بایست به‌عنوان یکی از منابع عمده‌ی ایجاد تمایزات و تشابهات اجتماعی و در نتیجه یکی از منابع قابل توجه هویت‌بخش نام برد.

باتوجه به آن‌چه به‌تفصیل شرح داده شد تحقیق پیرامون مفهوم مدیریت بدن را در جهت پاسخ‌گویی به سوالات زیر پیش می‌بریم:

۱- باتوجه به وضعیت فعلی جامعه‌ی ایران، مدیریت بدن در قالب چه ابعادی تعریف می‌گردد و چه مولفه‌هایی را می‌توان برای آن برشمرد؟

۲- آیا بین سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن ارتباط معناداری وجود دارد؟

۳- کدام مجموعه از عوامل در تعدیل یا تغییر رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن نقش دارند؟

پیشینه‌ی تجربی

پژوهشی تحت‌عنوان «مدیریت بدن و رابطه‌ی آن با پذیرش اجتماعی بدن» (مطالعه‌ی موردی شهر شیراز) در سال ۱۳۸۷ توسط ابوالقاسم فاتحی و ابراهیم اخلاصی و با هدف بررسی نوع ارتباط میان پذیرش اجتماعی بدن و مدیریت بدن به‌کمک روش پیمایش در بین زنان ۱۸ تا ۴۰ سال شیراز به انجام رسیده است. نتایج حاصل از این تحقیق که بر مبنای آرای اروینگ گافمن، بورديو، گیدنز و نظریه‌ی مبادله شکل گرفته است نشان می‌دهد میانگین مدیریت بدن برابر با (۶۲٫۸) درصد است که حاکی از میزان بالای توجه زنان به بدن در همه‌ی وجوه آن اعم از آرایشی، مراقبت و ... است. همچنین بین متغیرهای مصرف رسانه‌ای، پذیرش اجتماعی بدن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با مدیریت بدن رابطه‌ی مستقیم و معنادار و بین متغیرهای دین‌داری و مدیریت بدن رابطه‌ی معکوس وجود دارد.

در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه‌ی فرهنگی، مدیریت ظاهر و جوانان»، قربانعلی ابراهیمی و عباس بهنوئی گدنه به بررسی چگونگی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت ظاهر بین جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال شهر بابلسر پرداخته‌اند (۱۳۸۹). یافته‌های حاصل از پژوهش حاکی از آن است که هر چه قدر میزان سرمایه‌ی فرهنگی افراد بیش‌تر باشد، نحوه‌ی مدیریت ظاهر نیز میان دختران و پسران جوان اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند. از سوی دیگر نتایج حاصل از جداول توصیفی نشان می‌دهد الگوی رایج مدیریت ظاهر در میان جوانان، متأثر از نوگرایی و مؤلفه‌های مرتبط با دنیای مدرن است.

قربانعلی ابراهیمی و آرش ضیاءپور نیز در کار دیگری با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر مدیریت بدن» به بررسی تجربی فرضیه‌ی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله‌ی ساکن شهر گیلان غرب پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهند که میزان مدیریت بدن و سرمایه‌ی فرهنگی در جامعه‌ی مورد مطالعه در حد متوسط است. مقایسه‌ی ضرایب هم‌بستگی نیز حاکی از آن است که سرمایه‌ی فرهنگی در بین دختران اندکی بیش از پسران است. همچنین نتیجه‌ی رگرسیون خطی چندمتغیره نشان می‌دهد از میان متغیرهای مستقل (سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده) در مدل رگرسیونی پسران، تنها متغیر سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته در مدل نهایی باقی مانده است

و مقایسه‌ی بتاها گویای آن است که میزان تاثیرگذاری این متغیر (۰/۲۹۴) می‌باشد. اما در رگرسیون خطی چندمتغیره‌ی دختران، سرمایه‌های عینیت‌یافته و تجسم‌یافته با ضرایب بتای (۰/۲۰۲) و (۰/۱۶۴) به ترتیب قوی‌ترین و ضعیف‌ترین رابطه را با متغیر وابسته یعنی مدیریت بدن نشان می‌دهند.

احمد رضایی (و دیگران) در پژوهشی با عنوان «مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران» که در سال ۱۳۸۹ انجام گرفته است، به بررسی ارتباط بین مدیریت بدن با عوامل اجتماعی از قبیل مصرف رسانه‌ای، فشار اجتماعی و مصرف‌گرایی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد عوامل مستقیم مؤثر در مدیریت بدن عبارتند از: مصرف‌گرایی ($r=0/56$)، فشار اجتماعی ($r=0/61$) و مصرف رسانه‌ای ($r=0/42$). این سه متغیر در مجموع ۸۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند.

مهدی ادیبی سده و دیگران در کاری با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن در میان زنان» که در سال ۱۳۸۹ انجام شده است درصدد تبیین مدیریت بدن براساس مقوله‌های جامعه‌شناختی هستند. جامعه‌ی آماری این پژوهش زنان ۱۵ ساله و بالاتر شهر تبریز بودند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در این اثر نشان می‌دهد مدیریت بدن در میان این زنان از سطح متوسط به پایینی برخوردار است و بین متغیرهای مقایسه‌ی اجتماعی بدن، گروه‌های مرجع، سرمایه‌ی فرهنگی، اقتصادی، تحصیلات و مدیریت بدن در میان زنان هم‌بستگی معناداری وجود داشته و این متغیرها توانسته‌اند تا ۳۷ درصد از واریانس مدیریت بدن را تبیین کنند.

چهارچوب نظری

در این نوشته به بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن خواهیم پرداخت. از این‌رو برای سنجش رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن تئوری بوردیو را مبنای کار خود قرار می‌دهیم. درواقع سبک زندگی که مدیریت بدن از شاخص‌های عمده‌ی آن در نظر گرفته می‌شود، در نظریات نظریه‌پردازان کلاسیکی هم‌چون وبلن و زیمل اهمیت محوری ندارد و حتی تعریفی نیز از آن ارائه نشده است. در اندیشه‌ی آن‌ها بیش از آن‌که در مورد سبک زندگی سخن گفته شده باشد پیرامون مصرف و الگوهای مصرف بحث شده است؛ ضمن این‌که همان‌طور که در شرح نظریات آن‌ها آورده شد، این دو مصرف را ناشی از رابطه‌ی تقلیدی و

عمودی بین طبقات می‌دانند حال آن‌که تقلید به‌ویژه باتوجه به شرایط دنیای امروز که امکانات و شرایط مهیاتری را برای انتخاب و گزینش در اختیار افراد قرار داده است، صرفاً امری عمودی و از بالا به پایین نیست و می‌تواند در همه‌ی گروه‌بندی‌های اجتماعی صورت پذیرد (فاضلی ۱۳۸۲: ۲۶-۲۱).

ویر اما بی‌هیچ اندیشه‌ی مبسوطی درباره‌ی مصرف، از مفهوم سبک زندگی استفاده کرده و به‌نوعی مقوله‌ی انتخاب و محدودیت‌های آن را نیز در نظر گرفته است، اما او نیز تعریفی دقیق و عملیاتی از آن ارائه نداده است؛ ضمن این‌که برای تحلیل پیچیدگی‌های نظام قشربندی جوامع امروز به‌ویژه باتوجه به بازتابی بودن هویت‌ها به چیزی فراتر از گروه‌های منزلت ویر نیازمند است (همان: ۳۰-۲۶).

پست‌مدرنیست‌ها اگرچه به نقش نمادین مصرف و سامان یافتن آن حول بدن به‌عنوان محور هویت واقفند اما تمایل دارند تا تاثیر ساختارها را بر مصرف و شکل‌گیری سبک‌های زندگی نادیده انگارند. دیگر این‌که این دسته از اندیشمندان بر این باورند که فرد همواره قادر است آگاهانه الگوهای مصرف را به‌کار گیرد حال آن‌که رفتار فردی همواره در سطح آگاهی مطلق تعیین نمی‌یابد (فاضلی ۱۳۸۲: ۵۵).

در این بین نظریه‌ی تمایز بوردیو تنها نظریه‌ای است که درعین این‌که بحث مبسوطی پیرامون سبک زندگی و مدیریت بدن ارائه می‌کند چگونگی رابطه‌ی مدیریت بدن به‌عنوان شاخصی از سبک زندگی را نیز با سرمایه‌ی فرهنگی شرح می‌دهد. هرچند او نیز درمورد قریحه و فرهنگ به رابطه‌ای عمودی و از بالا به پایین اعتقاد دارد بااین‌وجود مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی او که جامعه‌شناسی مصرف وی بر پایه‌ی آن استوار شده ابزار مفهومی لازم را در اختیار ما قرار می‌دهد تا با تکیه بر آن و مهارت‌های ارتباطی و فرهنگی ناشی از آن بتوانیم گوناگونی و تنوع مدیریت بدن را در سطوح مختلف عمودی و افقی بررسی کنیم.

درواقع از نظر بوردیو وضعیت و موقعیت هر فرد، گروه یا نهاد در فضای اجتماعی به‌وسیله‌ی دو مختصه ترسیم می‌شود؛ ترکیب و حجم کلی سرمایه‌ای که آن‌ها به‌دست آورده و در اختیار دارند. ترکیب به میزان فراوانی نسبی سرمایه‌ی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مربوط می‌شود و حجم به میزان سرمایه مربوط می‌گردد. سومین مختصه یعنی تغییر در این حجم و ترکیب درطول زمان روند و مسیر فرد، گروه یا نهاد را در فضای اجتماعی مشخص می‌سازد و

به واسطه‌ی آشکار ساختن طریق و مسیر دست‌یابی به موقعیتی که اکنون در دست آن‌ها است، سرنخ‌های ذی‌قیمتی درباره‌ی عادت‌واره (ملکه‌ی ذهنی، منش) افراد، گروه‌ها و یا نهادها به دست می‌دهند (شویره و فونت ۱۳۸۵: ۳۳۶-۳۳۵). و بالاخره این عادت‌واره‌ها هستند که با اعمال نفوذی که بر مجموعه‌ی انتخاب‌ها و فعالیت‌های عملی ما در زندگی روزمره دارند سبک زندگی و در نتیجه نحوه‌ی رفتار و چگونگی مدیریت بدن ما را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. بنابراین به اعتقاد بوردیو کنش نتیجه‌ی رابطه‌ی بین تمایلات شخص (عادت‌واره) و جایگاه او در میدان (سرمایه) است به گونه‌ای که امکان بروز آن در شرایطی خاص فراهم می‌گردد. درواقع کنش، عادت‌واره‌ی فعلیت‌یافته است (گرنفل ۱۳۸۹: ۱۰۶).

درحقیقت هرچند که ما به این ساختمان ذهنی (عادت‌واره) و عملکرد آن آگاه نیستیم، اما همین ساختمان ذهنی در بیش‌تر فعالیت‌های عملی‌مان مانند شیوه‌ی خوردن، راه رفتن، صحبت کردن و حتی دماغ گرفتن ما، خود را نشان می‌دهد (ریتز ۱۳۷۴: ۷۲۳). درواقع عادت‌واره رفتار ما را سازمان‌دهی می‌کند و چگونگی ارتباط ما را با جهان بیرونی معین می‌سازد. عادت‌واره در تمام حرکاتی که از خود بروز می‌دهیم، در شیوه‌ی راه رفتنمان، در چگونگی سخن گفتنمان، در شکل غذا خوردن و خندیدنمان نمایان است. جان کلام این‌که عادت‌واره در هر صورتی که ما از بدنمان استفاده می‌کنیم خود را نشان می‌دهد (گرنفل ۱۳۸۹: ۳۳۷). از نظر بوردیو بدن ابزاری است برای یادآوری که مبانی و مقدمات فرهنگ و دسته‌بندی‌های عملی عادت‌واره در فرایند یادگیری و اجتماعی شدن، که از همان اوان کودکی آغاز می‌شود، بر آن حک و رمزگذاری می‌شود (بوردیو ۱۹۷۷: ۹۴).

بنابراین پیرو نظریات بوردیو، آن‌چه که بیش از هر چیز دیگری در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است از یک سو سرمایه‌ی فرهنگی است که در دیدگاه بوردیو جایگاه خاصی دارد و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد همان سرمایه‌ای است که عادت‌واره‌ی فرد را می‌سازد و از سوی دیگر تأکیدی است که بوردیو بر جنبه‌ی جسمانی‌شده‌ی عادت‌واره‌ها دارد؛ عادت‌واره‌هایی که بر جسم‌ها، ژست‌ها، حالت‌ها و برخی جنبه‌های مشروط شدن اجتماعی که در نظر عاملان «طبیعی» جلوه می‌کنند و عاملان آن‌ها را جز با عادت‌واره‌ی خود در نمی‌یابند، نمود پیدا می‌کند.

فرضیات تحقیق

- ۱- بین سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۱-۱- بین بعد تجسیدیافته‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۲-۱- بین بعد عینی سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۳-۱- بین بعد نهادی سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۲- بین سن و مدیریت بدن رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۳- بین جنس و مدیریت بدن رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۴- بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و مدیریت بدن رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۵- بین وضعیت تاهل و مدیریت بدن رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- ۶- بین دین‌داری و مدیریت بدن رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم

سرمایه‌ی فرهنگی: پیر بوردیو سرمایه‌ی فرهنگی را انواع گوناگون دانش مشروع می‌داند (ریترز ۱۳۷۹: ۷۲۵). هم‌چنین سرمایه‌ی فرهنگی در نظر بوردیو به دانش‌ها و مهارت‌هایی اشاره دارد که عاملان اجتماعی از طریق آموزش و زمینه‌ی فرهنگی به آن دست می‌یابند. این نوع از سرمایه غالباً مربوط به پرستیژ، منزلت و محتواهای منابعی نظیر هنر بلاغت، هنر مجاب کردن و متقاعد کردن دیگران، ترجیحات زیباشناختی و مفهومی‌های فرهنگی می‌باشد (هیلر و روکزیبی ۲۰۰۲، به نقل از آراسته ۱۳۸۶: ۷۴).

این سرمایه در قالب ۳ بعد متجسد (۴۲ گویه)، عینی (۱۹ گویه) و نهادی (یک گویه) شاخص‌سازی شده است. بعد متجسد شامل دو بعد دانش و مهارت می‌شود. بعد دانش که به اطلاعات و معلومات فرد اشاره دارد با شاخص‌هایی از قبیل میزان مطالعه‌ی غیردرسی در طول ماه، تالیف یا ترجمه‌ی کتاب، مشارکت در کلاس‌های فوق برنامه، میزان دیدن و دنبال کردن برنامه‌هایی که به نقد و بررسی یا آموزش موضوعی خاص می‌پردازند و درمجموع ۲۱ گویه اندازه‌گیری شده است و بعد مهارت نیز که شامل انواع مهارت‌های کلامی، هنری و غیرهنری می‌شود با استفاده از ۲۱ گویه مورد سنجش قرار می‌گیرد.

بعد عینی با استفاده از شاخص‌هایی از قبیل در اختیار یا دست‌رس داشتن کالاها یا محصولات فرهنگی نظیر ماهواره، مجموعه‌ی کتاب، فیلم یا موسیقی، ابزارآلات موسیقی، علمی یا ورزشی و... در قالب ۱۹ گویه سنجیده شده است. و بالاخره بعد نهایی این نوع سرمایه نیز با شاخص میزان و سطح تحصیلات فرد مورد ارزیابی قرار گرفته است. در مجموع پس از استانداردسازی نمرات گویه‌های مذکور و ترکیب آن‌ها مقیاس ابعاد و با یک‌سان‌سازی نمرات ابعاد در قالب طیف‌های ۵ قسمتی لیکرت و جمع کردن آن‌ها، مقیاس سرمایه‌ی فرهنگی به دست آمد.

مدیریت بدن: این مفهوم به معنای نظارت و دست‌کاری مستمر ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن در نظر گرفته شده است (چاووشیان ۱۳۸۱: ۶۴) و در قالب ۵ بعد (مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی، پوشش، کنترل وزن، دست‌کاری‌های آرایشی و پزشکی و نمایش بدن) و ۸۴ گویه ارزیابی می‌گردد.

بعد مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی شامل گویه‌هایی نظیر میزان اهمیت به استحمام، کوتاه کردن و اصلاح کردن مو، صورت و ابرو و استفاده از عینک آفتابی با کیفیت مطلوب در یک سطح و شاخص‌هایی مانند انجام منظم چکاپ پزشکی، معاینات دندان‌پزشکی، تست تراکم استخوان در سطحی دیگر می‌شوند که روی هم رفته ۲۲ گویه را شامل می‌شوند. بعد پوشش با کمک گویه‌های میزان اهمیت به ویژگی‌های مختلف پوشاک و محل خرید پوشاک در کنار میزان پرداخت انواع هزینه‌های مالی، زمانی و روانی جهت تهیه‌ی پوشاک در قالب ۱۴ گویه تنظیم گردیده است. بعد کنترل وزن میزان اهمیت کنترل وزن برای فرد پاسخ‌گو را می‌سنجد و در قالب گویه‌هایی نظیر پرداخت یا عدم پرداخت به اموری از قبیل سونای خشک، پیاده‌روی یا انواع فعالیت‌های ورزشی جهت کنترل وزن، در کنار میزان هزینه‌ی مالی ماهانه و همچنین هزینه‌ی زمانی صرف‌شده برای کنترل وزن مقیاس‌سازی شده است (درمجموع ۸ گویه). بعد چهارم نیز با استفاده از گویه‌های میزان مبادرت به امور آرایشی و پیرایشی از قبیل برنزه کردن پوست، تاتو، استفاده از کفش‌هایی که قد را بلندتر جلوه دهد در یک سطح و انواع جراحی‌های زیبایی در سطح دیگر مورد ارزیابی قرار گرفته است (۲۰ گویه). و بالاخره بعد نمایش بدن روی هم رفته در قالب ۱۶ گویه سنجیده شده است که برخی از گویه‌ها میزان نمایش بدن یا

تمایل به نمایش بدن را می‌سنجند و برخی دیگر میزان هزینه‌ای را که فرد حاضر است بابت نمایش بدن خود بپردازد.

در پایان نمرات حاصل از گویه‌های هر بعد ابتدا یک‌سان‌سازی و با هم جمع شدند و سپس با یک‌سان‌سازی مجدد ابعاد در قالب طیف‌های ۵ قسمتی، نمرات این ابعاد نیز با هم جمع شد و در نتیجه مقیاس مدیریت بدن به دست آمد.

متغیرهای زمینه‌ای: متغیرهای زمینه‌ای این تحقیق شامل سن، جنس، وضعیت تاهل، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و دین‌داری می‌شدند که سه متغیر سن، جنس و وضعیت تاهل با استفاده از گویه‌های رایج مورد سنجش قرار گرفتند.

۲۵ گویه‌ی مربوط به سنجش دین‌داری در سه بعد اعتقاد به خدا، انجام مناسک و گرایش‌های سیاسی و اجتماعی جای گرفتند و در سطح ترتیبی سنجیده شدند. در آخر پس از یک‌سان‌سازی نمره‌ی حاصله برای هر بعد در قالب یک طیف ۵ قسمتی، این نمرات با هم جمع شده و نمره‌ی دین‌داری پاسخ‌گو به دست آمد.

متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی نیز از ترکیب ۴ شاخص تحصیلات، منزلت شغلی، درآمد متوسط ماهانه و ثروت که همگی در سطح فاصله‌ای سنجیده شده و پس از استانداردسازی با هم جمع شدند به دست آمد. با این توضیح که مقیاس ثروت با استفاده از ۳ شاخص منطقه‌ی محله سکونت، نحوه‌ی تصرف منزل مسکونی و متراژ آن حاصل شد.

روش تحقیق

در این کار باتوجه به اهداف تعریف‌شده برای تحقیق و هم‌چنین با در نظر داشتن محدودیت‌هایی که باتوجه به موضوع مورد مطالعه یعنی مدیریت بدن برای روش‌هایی از قبیل آزمایش یا تحقیقات میدانی وجود دارد، روش کمی پیمایش را به عنوان روش تحقیق انتخاب کردیم.

جامعه‌ی آماری: جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه‌ی مردان و زنان بین ۲۰ تا ۵۹ سال ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند. بدین دلیل از وارد کردن جمعیت زیر ۲۰ سال به جامعه‌ی آماری صرف نظر شده است که باتوجه به تعریف سرمایه‌ی فرهنگی به عنوان متغیر مستقل و ابعاد و مصادیق معرفی‌شده برای آن، به‌ویژه پیرنگ بودن عنصر گذشت زمان در شکل‌گیری بعد

تجسم‌یافته و هم‌چنین میزان تحصیلات در بعد نهادی این سرمایه، به‌نظر می‌رسید این متغیر برای گروه زیر ۲۰ واریانس چندانی نخواهد داشت.

حجم نمونه: جهت تعیین و برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. بدین ترتیب باتوجه به جامعه‌ی آماری این تحقیق و هم‌چنین محاسبات فرمول مذکور، جمعیت نمونه درنهایت معادل ۳۵۰ نفر برآورد می‌شود.

روش نمونه‌گیری: در این اثر روش نمونه‌گیری «تصادفی سیستماتیک» را مبنای کار خود قرار می‌دهیم. از آن‌جا که شیوه‌ی نمونه‌گیری در هر پژوهشی متأثر از ویژگی‌های جمعیت آماری و اهداف پژوهش و نیز امکانات عملی و صرفه‌ی اقتصادی است، بلوک‌ها را به‌عنوان واحد نمونه‌گیری درنظر گرفتیم. به‌عبارت دیگر بلوک‌های مسکونی در تهران را به‌صورت کاملاً تصادفی انتخاب می‌کنیم و سپس از طریق بلوک انتخابی، با قاعده‌ای یک‌سان و ازپیش تعیین‌شده، افراد را برمی‌گزینیم. با این کار عملاً و به‌صورت غیرمستقیم توانسته‌ایم افراد را به‌صورت تصادفی انتخاب کنیم. ازطرف دیگر از آن‌جا که انتخاب نمونه از هر محله با هدف تعمیم نتایج پژوهش به کل محله حجم نمونه را بسیار زیاد می‌کند، می‌توان فرض کرد که بسیاری از محلات یک شهر از جمله تهران، در موضوعات خاصی نزدیک به یک‌دیگر هستند و اجمالاً می‌توان آن‌ها را پیش از نمونه‌گیری خوشه‌بندی کرد و ۳۷۰ محله‌ی مختلف را به تعدادی خوشه تقلیل داد، سپس نمونه را از این خوشه‌ها انتخاب کرد و نتایج را به هر خوشه و از جمله عناصر تعیین‌کننده‌ی خوشه، یعنی محله تعمیم داد. بدین ترتیب درمجموع ۵ خوشه خواهیم داشت که هر خوشه ۱۰ محله و هر محله ۷ نفر را دربرمی‌گیرد.

روایی: در تحقیق حاضر از ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش روایی ابزار تحقیق (پرسش‌نامه) استفاده شد. پیرو این امر ضریب روایی برای سرمایه‌ی فرهنگی در ترکیب ابعاد معادل (۰,۷۹) و برای مدیریت بدن برابر با (۰,۸۷) به‌دست آمد.

اعتبار: جهت تعیین اعتبار گویه‌ها و شاخص‌ها در این تحقیق در مرحله‌ی اول از روش اعتبار محتوایی صوری بهره گرفته شد. بدین‌ترتیب باتوجه به مطالعات اکتشافی و سپس تأیید متخصصان ۶۲ گویه برای سرمایه‌ی فرهنگی و ۸۲ گویه برای مدیریت بدن در نظر گرفته شد که در قالب ۳ بعد برای سرمایه‌ی فرهنگی و ۵ بعد برای مدیریت بدن جای گرفتند و بعضاً این ابعاد نیز خود شامل مولفه‌ها و بعدهای دیگری می‌شدند. پراکندگی و گوناگونی گویه‌های مورد

استفاده در سنجش برخی ابعاد و همچنین این امر که باتوجه به مطالعات اکتشافی محقق، به‌نظر می‌رسید وزن گویه‌های جای‌گرفته در هر بعد با یک‌دیگر متفاوتند، ما را بر آن داشت جهت به‌دست آوردن تخمینی از وزن درون‌گروهی و برون‌گروهی هر گویه از تکنیک تحلیل عاملی نیز استفاده کنیم. در نتیجه در ترکیب نهایی شاخص‌ها وزن‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی آن‌ها نیز لحاظ شدند.

آزمون فرضیات

جهت آزمون فرض هم‌بستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته از ضریب کندال (تاو بی و تاو سی) استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون‌های هم‌بستگی وجود رابطه‌ی معنادار بین متغیر وابسته (مدیریت بدن) و تمامی متغیرهای مستقل اعم از اصلی (سرمایه‌ی فرهنگی) و زمینه‌ای (سن، جنس، وضعیت تاهل، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، دین‌داری) را تأیید می‌کند که شدت، جهت و سطح معناداری آن‌ها به‌کمک جدول زیر قابل مقایسه است.

جدول شماره‌ی ۱- مقایسه‌ی شدت هم‌بستگی سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن

نام متغیر	سرمایه‌ی فرهنگی	سرمایه‌ی متجسد	سرمایه‌ی عینی	سرمایه‌ی نهادی	دین‌داری	پایگاه اجتماعی-اقتصادی	سن
مدیریت بدن در ترکیب ابعاد	۰,۳۷۰	۰,۳۷۵	۰,۳۱۵	۰,۳۰۰	(-۰,۲۴۸)	۰,۲۷۴	(-۰,۳۱۳)
سطح معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

همان‌طور که داده‌های مندرج در جدول شماره‌ی ۱ نیز نشان می‌دهند در بین متغیرهای مستقل، سرمایه‌ی فرهنگی از بیش‌ترین میزان هم‌بستگی با مدیریت بدن برخوردار است. همچنین از میان ۳ بعد سرمایه‌ی فرهنگی، بعد متجسد بیش‌ترین هم‌بستگی را با متغیر وابسته از

خود نشان می‌دهد. به‌علاوه دو متغیر سن و دین‌داری رابطه‌ای معنادار اما معکوس با مدیریت بدن دارند حال آن‌که رابطه‌ی بین دیگر متغیرها با مدیریت بدن رابطه‌ای مستقیم است. جهت آزمون فرض وجود رابطه‌ی معنادار بین متغیر وابسته و دو متغیر اسمی این تحقیق یعنی جنس و وضعیت تاهل، از آزمون کای اسکور استفاده کردیم که ضمن آن هر دو فرضیه تأیید شدند و با سطح معناداری ۰,۰۰۰، می‌توان گفت قابل تعمیم به جامعه‌ی آماری می‌باشند. هم‌چنین داده‌های حاصل از جدول توافقی نشان می‌دهند که با تغییر جنسیت از مرد به زن و هم‌چنین تغییر وضعیت تاهل از متاهل به مجرد، مدیریت بدن افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۲- مقایسه‌ی شدت هم‌بستگی سرمایه‌ی فرهنگی مدیریت بدن به تفکیک ابعاد

نام متغیر	سرمایه‌ی فرهنگی	مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی	میزان اهمیت به پوشش	کنترل وزن	دست‌کاری و آرایشی و پزشکی	نمایش بدن
سرمایه‌ی فرهنگی	۰,۳۷۰	۰,۳۶۸	۰,۳۰۰	۰,۲۹۱	۰,۱۹۸	۰,۲۰۱
سطح معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

مقایسه شد هم‌بستگی سرمایه‌ی فرهنگی با هر یک از ابعاد پنج‌گانه‌ی مدیریت بدن نیز قابل تامل به‌نظر می‌رسد. همان‌طور که ارقام جدول شماره‌ی ۲ نشان می‌دهد متغیر مستقل تحقیق با هر یک از ابعاد متغیر وابسته نیز رابطه‌ای معنادار دارد. در این بین مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی بیش‌ترین هم‌بستگی و بعد دست‌کاری‌های آرایشی و پزشکی کم‌ترین میزان هم‌بستگی را با سرمایه‌ی فرهنگی دارا می‌باشند.

تحلیل رگرسیون

برای تعیین این مهم که چند درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی مدیریت بدن، توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود و هم‌چنین جهت تعیین میزان و وزن تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته، تمام متغیرهای مستقلی را که براساس نتایج حاصل از آزمون‌های

آماري در مرحله‌ي تبیین، با مدیریت بدن هم‌بستگی داشتند به‌روش (Step Wise) وارد تحلیل رگرسیون کردیم. جداول فوق نتایج حاصله را به‌اختصار شرح می‌دهند.

جدول شماره‌ی ۳- گزارش خلاصه‌ی مدل رگرسیون

ضرب هم‌بستگی چندگانه (R)	ضرب تبیین (R Square)	ضرب تبیین تصحیح‌شده	اشتباه استاندارد
۰,۶۰۲	۰,۳۶۲	۰,۳۵۵	۳,۶۹۹۹۱

همان‌طور که از داده‌های جدول فوق برمی‌آید ضرب تبیین تصحیح‌شده برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل واردشده در رگرسیون معادل (۰,۳۵۵) می‌باشد و این بدان معناست که (۳۵,۵) درصد از تغییرات (واریانس) مدیریت بدن توسط این گروه از متغیرهای مستقل تبیین می‌شود و ۶۴,۵ درصد باقی مانده ناشی از عوامل دیگری است که در تحقیق وارد نشده‌اند. باتوجه به ضرایب به‌دست‌آمده برای (β) در نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون، معادله‌ی رگرسیون به‌شکل زیر درمی‌آید:

=میزان مدیریت بدن

$$+۱۲,۳۴۶ + (\text{میزان دین‌داری}) * (۰,۱۶۰ -) + (\text{سن}) * (۰,۲۰۳ -) + (\text{جنسیت}) * (۰,۲۸۰ +)$$

$$(\text{میزان سرمایه‌ی فرهنگی}) * (۰,۳۹۵)$$

با مقایسه‌ی وزن بتای متغیرهای واردشده در معادله می‌توان گفت سرمایه‌ی فرهنگی در رابطه با مدیریت بدن از بیش‌ترین قدرت پیش‌بینی در بین دیگر متغیرها برخوردار است طوری‌که با افزایش هر واحد سرمایه‌ی فرهنگی مقدار مدیریت بدن به‌اندازه‌ی (۰,۳۹۵) واحد افزایش می‌یابد. بعد از آن متغیرهای جنسیت، سن و دین‌داری به‌ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین میزان قدرت پیش‌بینی مدیریت بدن را دارا می‌باشند. هم‌چنین دو متغیر وضعیت تاهل و پایگاه اجتماعی-اقتصادی به‌دلیل ناچیز بودن قدرت پیش‌بینی در تبیین تغییرات متغیر وابسته از معادله‌ی رگرسیون حذف شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

الف - نتایج حاصل از مطالعات اسنادی و اکتشافی در مرحله‌ی شاخص‌سازی

نتایج حاصل از مطالعات و بررسی‌های اسنادی و اکتشافی در ارائه‌ی تصویری دقیق‌تر از متغیرهای مورد مطالعه و همچنین درکی عمیق‌تر از موضوع تحقیق برای محقق نقش بسیار موثری داشت. درواقع با مطالعه‌ی پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایران پیرامون سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن و همچنین مطالعه‌ی تعاریف مختلفی که برای مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده بود، به‌نظر می‌رسید شاخص‌سازی‌های صورت‌گرفته در مطالعات پیشین به‌منظور سنجش این دو مفهوم نیاز به بررسی و مطالعه بیشتر دارند.

درواقع باتوجه به تحقیقات پیشین و در عین حال جو فرهنگی-اجتماعی حاکم بر جامعه‌ی امروز، این‌طور می‌نمود که استفاده از شاخص‌هایی نظیر تعداد دفعات رفتن به سینما و تئاتر، سرمایه‌ی فرهنگی والدین، میزان مطالعه، آشنایی با زبان‌های خارجی و همچنین شرکت در کلاس‌های فوق برنامه که غالباً به‌عنوان شاخص‌های سنجش سرمایه‌ی فرهنگی به‌کار می‌روند، برای سنجش میزان برخورداری از این مفهوم کافی نیستند و آن‌طور که باید تصویر دقیقی از آن ارائه نمی‌دهند. این امر ما را بر آن داشت تا علاوه بر گویه‌های معمول از گویه‌هایی نظیر «میزان گوش دادن به رادیو»، «دنبال کردن اخبار روز دنیا از شبکه‌های مختلف خبری داخلی یا خارجی»، «دیدن و دنبال کردن برنامه‌های تلویزیونی یا ماهواره‌ای مربوط به نقد، بررسی و آموزش موضوعات مختلف»، «میزان استفاده از اینترنت در طول شبانه‌روز»، «شرکت در کلاس‌های رقص، یوگا، مدیتیشن و ایروبیک» و همچنین «شرکت در برنامه‌ها و سفرهای گردشگری یا طبیعت‌گردی داخلی یا خارجی» نیز در سنجش میزان سرمایه‌ی فرهنگی بهره بگیریم.

بنابراین درمجموع جهت سنجش یکی از ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی متجسد که آن را «دانش» نامیدیم، تمامی این شاخص‌ها در کنار گویه‌هایی نظیر تالیف و ترجمه‌ی کتاب یا مقاله و مشارکت در طرح‌های علمی و پژوهشی و همچنین برخی از گویه‌های معمول مورد استفاده در اغلب تحقیقات، وارد پرسش‌نامه شدند.

از سوی دیگر به نظر می‌رسید باتوجه به تعاریف موجود برای سرمایه‌ی فرهنگی از جمله برداشتی که هیلر و روکزی (۲۰۰۲) بر مبنای تعریف بوردیو از آن داشتند، مهارت‌هایی نظیر هنر

بلاغت و مجاب و متقاعد کردن دیگران نیز می‌تواند به‌ویژه در ایران شاخص مناسبی برای سنجش میزان برخورداری از این نوع سرمایه باشد. از این‌رو در کنار سایر مهارت‌هایی که به‌طور معمول در پرسش‌نامه‌های مربوطه مورد سوال قرار می‌گیرد، مهارت‌های کلامی را نیز اضافه کردیم که خود شامل دو بعد قدرت بیان و قدرت استدلال و اقناع می‌شد و در مجموع در قالب ۷ گویه، میزان مهارت‌های کلامی فرد را مورد ارزیابی قرار می‌داد.

بدین‌ترتیب در مجموع سرمایه‌ی متجسد فرهنگی در قالب دو بعد دانش (۲۱ گویه) و مهارت (۲۱ گویه) مورد سنجش قرار گرفت که بعد مهارت خود به بخش‌های مهارت‌های کلامی، هنری و غیرهنری تقسیم می‌شد. در پایان با اضافه کردن گویه‌های مربوط به ابعاد عینی (۱۹ گویه) و نهادی (۱ گویه)، سرمایه‌ی فرهنگی در قالب ۶۳ گویه مورد ارزیابی قرار گرفت.

جدول شماره ۴: معرفی ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی

مفهوم	ابعاد	مولفه‌ی ۱	مولفه‌ی ۲	مولفه‌ی ۳	تعداد گویه
سرمایه فرهنگی	تجسد یافته	دانش			۲۱
		مهارت	کلامی	قدرت استدلال و اقناع	۳
				قدرت بیان	۴
			هنری	_____	۱۱
			غیرهنری	_____	۳
	عینی	_____	_____	_____	۱۹
	نهادی	_____	_____	_____	۱
سطح سنجش: ترتیبی			تعداد گویه‌ها در مجموع: ۶۳		

مدیریت بدن نیز تقریباً در تمام مطالعات صورت‌گرفته‌ی پیشین (تا آن‌جا که بررسی‌های اسنادی محقق درمورد تحقیقات انجام‌شده در ایران اجازه می‌دهد) با بهره‌گیری از معرف‌های کنترل وزن (از طریق ورزش، رژیم غذایی، دارو)، دست‌کاری‌های پزشکی (جراحی‌های زیبایی و پلاستیک)، و میزان اهمیت دادن به مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی (از قبیل استحمام روزانه، آرایش صورت، استفاده از عطر و ادوکلن و ...) و انواع عادات در لباس پوشیدن و در مجموع ۴ بعد، مورد سنجش قرار می‌گرفت.

به‌منظور تعیین ابعاد مدیریت بدن به‌گونه‌ای که تا حد امکان تمام جوانب رفتارهای مرتبط با بدن را دربرگیرد علاوه بر استفاده از گویه‌های مربوط به مراقبت‌های بهداشتی که در تحقیقات قبلی مورد استفاده قرار می‌گرفت، برخی گویه‌های خودساخته‌ی محقق نیز تحت‌عنوان مراقبت‌های پزشکی وارد سیر شاخص‌سازی شدند (این امر به‌ویژه با توجه به آمارهایی که در زمینه‌های مختلف پزشکی از جمله وضعیت روبه‌رشد پوکی استخوان و شیوع سرطان پستان در بین زنان ازسوی مراجع مختلف منتشر شده است اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند). هم‌چنین از آن‌جا که به‌نظر می‌رسید مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی منفک از یک‌دیگرند و هر یک سطحی متفاوت از توجه به بدن را می‌سجند در قالب دو بعد جداگانه (مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی و دست‌کاری‌های آرایشی و پزشکی) در کنار سایر ابعاد قرار گرفتند. بااین‌وجود باز هم احساس می‌شد که وجوهی از مدیریت بدن در نظر گرفته نشده است که پس از مطالعات و بررسی‌های بیش‌تر این وجوه نیز در قالب بعد جدیدی به‌نام «نمایش بدن» در کنار دیگر ابعاد قرار گرفتند. این بعد شامل گویه‌هایی می‌شود که میزان تمایل افراد برای نمایش ویژگی‌های ظاهری بدن را می‌سجد و هزینه‌هایی را دربرمی‌گیرد که افراد حاضر هستند برای ارائه‌ی یک نمایش دل‌خواه و مطلوب از شکل و حجم و ابعاد مختلف بدن خود پردازند. هزینه‌هایی از قبیل مواجهه با نیروی انتظامی یا استفاده از پوشش‌هایی که فرد در آن‌ها احساس راحتی نمی‌کند ولی برای نمایش ظاهری دل‌خواه به آن‌ها تن می‌دهد.

بدین‌ترتیب متغیر وابسته‌ی تحقیق یعنی مدیریت بدن نیز به‌شرح جدول ۵ و با یک ترکیب جدید ۵ بعدی در قالب ۸۲ گویه مورد ارزیابی قرار گرفت.

جدول شماره‌ی ۵: معرفی ابعاد مدیریت بدن

مفهوم	ابعاد	مولفه‌ی ۱	تعداد گویه
نمایش بدن	بعد اول: مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی	مراقبت‌های بهداشتی	۱۲
		مراقبت‌های پزشکی	۱۰
	بعد دوم: پوشش	خاص بودن پوشش	۳
		ویژگی‌های معمول پوشش	۴
		هزینه و محل خرید پوشش	۳

۴	پرداخت انواع هزینه‌های غیرمالی (زمانی، روانی و...) برای پوشش	
۳	فعالیت خاص (سونا، ورزش، هزینه مالی)	بعد سوم: کنترل وزن
۳	فعالیت عام (پیاده‌روی، رژیم غذایی و هزینه زمانی)	
۲	فعالیت خیلی خاص (مصرف دارو و دیگر فعالیت‌ها)	
۹	دست‌کاری‌های آرایشی	بعد چهارم: دست‌کاری‌های آرایشی و پزشکی
۱۱	دست‌کاری‌های پزشکی	
۱۰	تمایل به نمایش بدن	بعد پنجم: نمایش بدن
۶	پرداخت انواع هزینه جهت نمایش بدن	
تعداد گویه‌ها در مجموع: ۸۲		سطح سنجش: ترتیبی

ب- نتایج نظری

۱) بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای زمینه‌ای و مدیریت بدن

یافته‌های حاصل از آزمون‌های هم‌بستگی وجود رابطه‌ی معنادار بین تمامی متغیرهای زمینه‌ای و مدیریت بدن را تایید می‌کنند. ضمن این‌که علامت ضرایب کندال محاسبه‌شده نشان می‌دهند که بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و مدیریت بدن رابطه‌ی مستقیم وجود دارد حال آن‌که دین‌داری و سن رابطه‌ای معکوس با متغیر وابسته دارند. هم‌چنین باتوجه به مقدار عددی آماره‌ی کندال می‌توان گفت رابطه‌ی بین سن و مدیریت بدن، درمقایسه با دین‌داری و پایگاه اجتماعی-اقتصادی از شدت بالاتر و قوی‌تری برخوردار است.

رابطه‌ی معکوس بین سن و مدیریت بدن باتوجه به جو فرهنگی حاکم بر جامعه قابل قبول به نظر می‌رسد. می‌توان گفت جو فرهنگی غالب به‌گونه‌ای است که ابعاد تعریف‌شده برای مدیریت بدن ازجمله دست‌کاری‌های آرایشی و پزشکی، نمایش بدن، کنترل وزن و الگوی پوشش اغلب از دغدغه‌های دوران جوانی محسوب می‌شوند. درواقع رفتارهای مرتبط با تغییر و نمایش ویژگی‌های ظاهری بدن و چهره و حساسیت نسبت به این‌گونه ویژگی‌ها غالباً به‌عنوان

رفتارهای مختص دوران جوان‌سالی تعریف و مورد پذیرش یا حداقل انتظار عرف حاکم قرار می‌گیرد. لذا منطقی به نظر می‌رسد که با افزایش سن میزان مدیریت بدن کاهش پیدا کند.

نتیجه‌ی به‌دست‌آمده از آزمون هم‌بستگی بین دین‌داری و مدیریت بدن نیز قابل توجه به نظر می‌رسد، چراکه باتوجه به احکام، دستورات و تعالیم دینی، با افزایش دین‌داری میزان مدیریت بدن در بسیاری از شاخص‌های مرتبط به‌ویژه در ابعاد دست‌کاری‌های آرایشی و پزشکی و نمایش بدن، کاهش چشم‌گیری پیدا می‌کند.

در رابطه با تاثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی نیز می‌توان گفت باتوجه به شاخص‌های تعریف‌شده، بالا بودن مقدار این متغیر گویای آن است که فرد در مجموع از تحصیلات، منزلت شغلی و امکانات و توانایی مالی بالاتری برخوردار است. تحصیلات از متغیرهایی است که به‌نوبه‌ی خود می‌تواند آگاهی و حساسیت فرد را نسبت به مسائل مرتبط با مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی بالا ببرد. ضمن این‌که تمکن مالی، هزینه‌های لازم جهت مدیریت کلیه‌ی رفتارهای مرتبط با بدن از جمله جراحی‌های زیبایی، کنترل وزن یا تهیه‌ی پوشاک دل‌خواه را فراهم می‌کند. بنابراین دور از انتظار نیست که با افزایش پایگاه اجتماعی-اقتصادی میزان مدیریت بدن نیز افزایش یابد.

نکته‌ی دیگری که در رابطه با پایگاه اجتماعی-اقتصادی مطرح است حذف آن از معادله‌ی رگرسیون می‌باشد. به عبارت دیگر این متغیر باوجود برخوردار بودن از یک رابطه‌ی معنادار با مدیریت بدن، وقتی در ترکیب با سرمایه‌ی فرهنگی و سایر متغیرها وارد تحلیل رگرسیون می‌شود از معادله حذف می‌گردد. از آن‌جا که توضیحات مربوط به این امر در بخش پایانی همین مقاله ارائه خواهد شد بحث را با تفاسیر مرتبط با دو متغیر زمینه‌ای اسمی یعنی جنس و وضعیت تاهل ادامه خواهیم داد.

بررسی روابط بین متغیرهای اسمی (جنس و وضعیت تاهل) با مدیریت بدن که با استفاده از آزمون «کای اسکوئر» صورت گرفت نیز معنادار بودن این روابط را تایید نمود. ضمن این‌که باتوجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون می‌توان گفت که با تغییر جنس از مذکر به مونث، میزان مدیریت بدن افزایش می‌یابد.

شاید بتوان گفت پایین‌تر بودن میانگین میزان رضایت از شکل و ظاهر بدن و درعین حال بالاتر بودن میانگین مدیریت بدن به‌ویژه در دو بعد نمایش بدن و دست‌کاری‌های آرایشی و

زیبایی بین زنان درمقایسه با مردان (همان‌طور که در بخش نتایج توصیفی به آن‌ها اشاره شد)، و همچنین معناداری و جهت رابطه‌ی بین جنسیت و مدیریت بدن (با توجه به آزمون کای اسکوتر و معادلات رگرسیون) می‌تواند ناشی از این امر باشد که زیبایی ظاهری و تناسب اندام مطابق با الگوهای روز زیبایی، همواره معیار مهمی در ارزش‌گذاری زنان به‌ویژه از سوی مردان بوده است. درواقع می‌توان گفت همان‌طور که گیدنز نیز اذعان می‌دارد هرچند که دنیای امروز بستر گسترده‌تری را درمقایسه با گذشته برای حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و تغییر دیدگاه صرفاً جنسی نسبت به آن‌ها فراهم نموده است اما هنوز هم دید جنسی و ابزارگونه به آن‌ها می‌تواند تاحدودی تمایلشان را به برخورداری از زیبایی و تناسب اندام توجیه کند. گویی که چهره، بدن و ظاهر طبیعی آن‌ها به‌اندازه‌ی کافی زیبا و قابل قبول نیست و زنان همواره با نوعی اجبار بیرونی مواجه هستند که درنتیجه‌ی آن می‌بایست با انجام اعمال جراحی زیبایی و مصرف لوازم آرایشی و پیرایشی، ظاهر خود را مطابق با سلیقه‌ی دیگران به‌ویژه مردان، مقبول و استاندارد سازند.

وضعیت تاهل نیز درابتدای امر تفاوت معناداری در رابطه با مدیریت بدن از خود نشان می‌دهد (باتوجه به آزمون کای اسکوتر) اما مانند متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی وقتی در ترکیب با سایر متغیرها وارد تحلیل رگرسیون می‌شود از معادله حذف می‌گردد. نکته‌ی جالب این‌که در تحلیل رگرسیون به‌تفکیک جنس، این متغیر به‌همراه سرمایه‌ی فرهنگی به‌عنوان متغیر پیش‌بینی‌کننده‌ی مدیریت بدن برای مردان باقی می‌ماند و تنها از معادله‌ی رگرسیون افراد مونث حذف می‌شود. باتوجه به توضیحاتی که پیش از این پیرامون رابطه‌ی بین جنس و مدیریت بدن ارائه شد شاید بتوان گفت زنان تحت‌تاثیر نگاه جنسی که نسبت به آن‌ها وجود دارد صرف‌نظر از چگونگی وضعیت تاهل، همواره با نوعی اجبار بیرونی برای زیبا و شکیل بودن مواجهند و چه مجرد باشند و چه متأهل، درهرحال ویژگی‌های ظاهری یکی از مهم‌ترین ملاک‌های ارزش‌گذاری آنان به‌حساب می‌آید و این امر می‌تواند دلیل حذف وضعیت تاهل از معادله‌ی رگرسیون مربوطه قلمداد گردد. بدین معنی که تحت‌تاثیر تفکیک جنسی صورت‌گرفته در تحلیل، این متغیر در ترکیب با سایر متغیرها (سرمایه‌ی فرهنگی، سن و دین‌داری) از قدرت لازم برای پیش‌بینی میزان مدیریت بدن برخوردار نیست لذا از معادله حذف می‌گردد.

۲) بررسی ارتباط بین سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن

در این مرحله ابتدا سرمایه‌ی فرهنگی به صورت ترکیب سه بعد با مدیریت بدن در ارتباط قرار داده شد. ضریب کندال محاسبه شده برای این رابطه معادل (۰,۳۷۰) با سطح معناداری (۰,۰۰۰) بود که به معنی وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم بین این دو متغیر می‌باشد و بدین ترتیب فرضیه‌ی اصلی این تحقیق تایید گردید.

در مرحله‌ی بعد ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی به تفکیک وارد آزمون همبستگی با مدیریت بدن شدند. این بار نیز آماره‌ها و ضرایب معناداری آزمون، گویای وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم بین این متغیرها بودند با این تفاوت که مقایسه‌ی مقادیر ضریب کندال هر یک از آزمون‌ها نشان می‌داد از بین سه بعد سرمایه‌ی فرهنگی، بعد متجسد (۰,۳۷۵)، بعد عینی (۰,۳۱۵) و بعد نهادی (۰,۳۰۰)، به ترتیب قوی‌ترین و ضعیف‌ترین رابطه را با متغیر وابسته داشتند.

در مرحله‌ی آخر، رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی با تک تک ابعاد مدیریت بدن مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون‌های همبستگی و سطح معناداری آن‌ها در این مرحله هم دال بر وجود روابط معنادار و مستقیم بین متغیرها بودند که با توجه به مقادیر ضرایب کندال حاصله می‌توان گفت در بین ابعاد مدیریت بدن، بعد مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی با ضریب کندال (۰,۳۶۸)، قوی‌ترین میزان همبستگی را با سرمایه‌ی فرهنگی نشان می‌داد و بعد از آن ابعاد میزان اهمیت به پوشش (۰,۳۰۰)، کنترل وزن (۰,۲۹۱)، نمایش بدن (۰,۲۰۱) و دست‌کاری‌های آرایشی و پزشکی (۰,۱۹۸) به ترتیب قوی‌ترین و ضعیف‌ترین شدت همبستگی را با متغیر مذکور داشتند.

پس از آزمون‌های همبستگی، جهت تعیین وزن تاثیر هریک از متغیرهایی که با مدیریت بدن رابطه‌ی معناداری داشتند از تحلیل رگرسیون چندمتغیری بهره گرفته شد که بنابر نتایج آن دو متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و وضعیت تاهل به دلیل ضعیف بودن قدرت پیش‌بینی مدیریت بدن از معادله حذف شدند و متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی با بیش‌ترین وزن پیش‌بینی ($\beta=0,395$) و پس از آن جنسیت با قدرت پیش‌بینی (۰,۲۸۰)، سن با قدرت پیش‌بینی (۰,۲۰۳-) و میزان دین‌داری با وزن (۰,۱۶۰-) در معادله باقی ماندند.

در راستای نظریات بوردیو، آنچه که بیش از هر چیزی در تایید فرضیه‌ی اصلی این تحقیق یعنی وجود رابطه‌ی معنادار بین سرمایه‌ی فرهنگی و مدیریت بدن خودنمایی می‌کند از یک سو

سرمایه‌ی فرهنگی است که در دیدگاه بوردیو جایگاه خاصی دارد و درواقع همان سرمایه‌ای است که عادت‌واری فرد را می‌سازد و از سوی دیگر تأکیدی است که بوردیو بر جنبه‌ی جسمانی‌شده‌ی عادت‌واره‌ها دارد؛ عادت‌واره‌هایی که بر جسم‌ها، ژست‌ها، حالت‌ها و برخی جنبه‌های مشروط شدن اجتماعی که در نظر عاملان «طبیعی» جلوه می‌کنند و عاملان آن‌ها را جز با عادت‌واری خود در نمی‌یابند، نمود پیدا می‌کند.

درحقیقت هرچند که ما به این ساختمان ذهنی (عادت‌واره) و عملکرد آن آگاه نیستیم، اما همین ساختمان ذهنی در بیش‌تر فعالیت‌های عملی مان، مانند شیوه‌ی خوردن، راه رفتن، صحبت کردن و حتی دماغ گرفتن ما، خود را نشان می‌دهد (ریتز ۱۳۷۴: ۷۲۳). درواقع عادت‌واره رفتار ما را سازمان‌دهی می‌کند و چگونگی ارتباط ما را با جهان بیرونی معین می‌سازد. عادت‌واره در تمام حرکاتی که از خود بروز می‌دهیم، در شیوه‌ی راه رفتنمان، در چگونگی سخن گفتنمان، در شکل غذا خوردن و خندیدنمان نمایان است. جان کلام این‌که عادت‌واره در هر صورتی که ما از بدنمان استفاده می‌کنیم خود را نشان می‌دهد (گرنفل ۱۳۸۹: ۳۳۷). از نظر بوریو بدن ابزاری است برای یادآوری که مبانی و مقدمات فرهنگ و دسته‌بندی‌های عملی عادت‌واره در فرایند یادگیری و اجتماعی شدن، که از همان اوان کودکی آغاز می‌شود، بر آن حک و رمزگذاری می‌شود (بوردیو ۱۹۷۷: ۹۴).

بدین ترتیب تا این قسمت کار، تایید فرضیه‌ی ما در راستای نظریات بوردیو قرار می‌گیرد. اما مشکل از آن‌جا آغاز می‌شود که بوردیو مکانیسم و فرایند تأثیرگذاری سرمایه‌ی فرهنگی بر مدیریت بدن را شرح می‌دهد. وی در شرح مکانیسم تأثیرگذاری سرمایه‌ی فرهنگی بر مدیریت بدن، به سرمایه‌ی فرهنگی خاصی اشاره می‌کند که در جسم فرد وجود دارد و عملکرد خود را تحت عنوان ذائقه (قریحه) نشان می‌دهد (گرنفل ۱۳۸۹: ۳۳۶).

از نظر بوریو شیوه‌های مختلف تملک سرمایه در درون هر طبقه، موجد ذوق و قریحه‌ی متفاوتی است. اگرچه ظاهراً قریحه‌ها به صورت مستقل و در فضای اجتماعی سنجش می‌شوند، اما محصول عادت‌واره‌هایی هستند که ماهیت طبقاتی دارند. قریحه‌ها صرفاً مقولاتی زیباشناختی نیستند بلکه درک کردن محصولاتی که سنجش قریحه‌ها بر مبنای آن‌ها صورت می‌گیرد مستلزم مسلط شدن بر مجموعه‌ای از رمزهای نمادین و پرورش فرهنگی است که به ترکیب سرمایه‌ها در جایگاه‌های طبقاتی بستگی دارد (فاضلی ۱۳۸۳: ۱۴۳).

بورديو به شكل تجربى نشان مى‌دهد كه رابطه‌اى ميان سليقه در انتخاب غذا و سليقه نسبت به هنر، سينما، نحوه‌ى لباس پوشيدن، ورزش، سبك آرايش مو، نحوه‌ى سخن گفتن و سليقه نسبت به موسيقى وجود دارد. بنابر اين سلسله‌مراتب طبقاتى و اشيائى فرهنگى، ارجحيت‌ها و رفتار كسانى كه در موقعيت خاص طبقاتى هستند به هم مربوط مى‌باشند. با اين كه به نظر مى‌رسد سليقه يك پديده‌ى ساده، طبيعى و شخصى باشد، اما بورديو معتقد است كه رابطه‌اى مستقيم با موقعيت طبقاتى دارد؛ تضاد در سليقه ميان افراد به تضاد طبقاتى مربوط مى‌شود (ترنر ۱۹۹۸: ۵۱۶-۵۱۵).

بنابر اين باتوجه به نظريات پير بورديو، سرمايه‌ى فرهنگى عادت‌واره را شكل مى‌دهد، عادت‌واره منشا سليقه و درنتيجه مرزبندي تشابهات و تمايزات و درنتيجه تعريف هويت است كه در آخر نيز به كنش منتهى مى‌گردد. اما همه‌ى اين‌ها درحالى جارى است كه بورديو ماهيت سرمايه‌ى فرهنگى، عادت‌واره و درنتيجه مدیریت بدن و به‌ويژه سليقه به‌عنوان يکى از مهم‌ترين شاخص‌هاى هويت را طبقاتى مى‌داند و اين بدان معناست كه او نقش بسيار پررنگى در تبين مدیریت بدن و هم‌چنين هويت افراد برحسب جايگاه طبقاتى آن‌ها قائل است حال آن‌كه نتايج حاصل از تحليل رگرسيون در اين تحقيق گويائى آنند كه متغير مورد نظر بورديو يعنى پايگاه اجتماعى-اقتصادى از قدرت لازم براى پيش‌بنينى مدیریت بدن در معادله‌ى رگرسيون مربوطه برخوردار نيست.

سوالى كه در اين مرحله مطرح مى‌گردد آن است كه آيا حذف پايگاه اجتماعى-اقتصادى از معادله‌ى رگرسيون مى‌تواند دليلى بر نقض نظريه‌ى بورديو در رابطه با طبقاتى بودن مدیریت بدن باشد؟ براى پاسخ دادن به اين سوال با تكيه بر ثنورى بورديو مبنى بر طبقاتى بودن سرمايه‌ى فرهنگى، به بررسى رابطه‌ى بين پايگاه اجتماعى-اقتصادى و سرمايه‌ى فرهنگى پرداختيم. ضريب كندال حاصله از آزمون مربوطه در سطح معنادارى (۰,۰۰۰)، معادل (۰,۶۶۴) بود كه به‌معنى وجود يك رابطه‌ى قوى و مستقيم بين اين دو متغير مى‌باشد. بنابر اين مى‌توان گفت هرچند كه پايگاه اجتماعى-اقتصادى به‌عنوان يك متغير زمينه‌اى پژوهش حاضر از رابطه‌اى مستقيم با شدت (۰,۲۷۴) با مدیریت بدن برخوردار است، اما وقتى در تركيب با سرمايه‌ى فرهنگى و ساير متغيرها وارد تحليل رگرسيون مى‌شود به‌دليل هم‌بستگى زياد با اين نوع سرمايه و هم‌چنين قوى‌تر بودن قدرت پيش‌بنينى سرمايه‌ى فرهنگى، از معادله حذف مى‌گردد. به اين ترتيب مى‌توان

گفت با خروج متغیر پایگاه از معادله، سرمایه‌ی فرهنگی به‌نوعی تاثیر این متغیر بر مدیریت بدن را نیز با خود حمل می‌کند.

کتاب‌نامه‌ی فارسی

۱. ابراهیمی، قربانعلی و ضیاءپور، آرش. (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی تاثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر مدیریت بدن (مطالعه‌ی تجربی جوانان شهر گیلان غرب)». *مجله‌ی جامعه‌شناسی کاربردی (مجله‌ی پژوهشی علوم/انسانی دانشگاه اصفهان)*. سال بیست‌وسوم. شماره‌ی ۱ (پیاپی ۴۵): ۱۴۸-۱۲۵.
۲. ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گدنه، عباس. (۱۳۸۹). «سرمایه‌ی فرهنگی، مدیریت ظاهر و جوانان (مطالعه‌ی دختران و پسران شهر بابلسر)». *مجله‌ی زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. دوره‌ی ۸. شماره‌ی ۳. پاییز ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۵۳.
۳. اباذری، یوسف و حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۷). «جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات». *مجله‌ی پژوهش زنان*. دوره‌ی ۶. شماره‌ی ۴.
۴. ادیبی سده، مهدی. علیزاده، مهستی و کوهی، کمال. (۱۳۹۰). «تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن در میان زنان». *فصلنامه‌ی مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. سال نهم. شماره‌ی ۳ (پیاپی ۲۹): ۸۴-۵۹.
۵. آراسته، راضیه. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و اقتصادی زنان شاغل با نوع روابط با همسران در خانواده». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی پژوهشگری علوم اجتماعی. دانشگاه الزهرا. دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصاد.
۶. چاوشیان تبریزی، حسن. (۱۳۸۱). «سبک زندگی و هویت اجتماعی؛ مصرف و انتخاب‌های ذوقی به‌عنوان شالوده‌ی تمایز و تشابه اجتماعی در دوره‌ی اخیر مدرنیته». رساله‌ی دکتری در رشته‌ی جامعه‌شناسی. دانشگاه تهران. دانشکده‌ی علوم اجتماعی.
۷. رضایی، احمد. اینانلو، مینا و فکری، محمد. (۱۳۸۹). «مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران». *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی زنان*. شماره‌ی ۴۷: ۱۴۱.
۸. ریتزر، جورج. (۱۳۸۴). *نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
۹. فاتحی، ابوالقاسم و اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۸۷). «مدیریت بدن و رابطه‌ی آن با پذیرش اجتماعی بدن (مطالعه‌ی موردی شهر شیراز)». *مجله‌ی مطالعات راهبردی*. سال یازدهم. شماره‌ی ۴۱: ۹-۴۱.
۱۰. فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: نشر صبح صادق.
۱۱. شویره، کریستین و فونتن، اولیویه. (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*. ترجمه‌ی مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.

۱۲. گرنفل، مایکل. (۱۳۸۹). *مفاهیم کلیدی پیر بوردیو*. ترجمه‌ی محمدمهدی لبیبی. تهران: نشر افکار.
۱۳. مجمع، شهره. (۱۳۸۷). «بررسی الگوی پوشش جوانان (سبک زندگی یا مقاومت؟)؛ مطالعه‌ی موردی دانشجویان دختر دانشگاه تهران». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی پژوهش علوم اجتماعی. دانشگاه الزهرا. دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصاد.

کتاب‌نامه‌ی لاتین

1. Bourdieu, P. (1977). *Outline of a theory of practice*. Cambridge: Cambridge University Press.
2. Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the judgement of taste*. New York: Routledge & Kegan Paul.
3. Turner, J. H. (1998). *The Structure of Sociological Theory*. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.

منابع اینترنتی

1. <http://www.aftabnews.ir/vdcjxtevquqiiz.fsfu.html>
تاریخ درج خبر: سه‌شنبه، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۱، ساعت ۱۴:۲۴، کد خبر: ۱۵۳۵۴۴.
2. <http://rajanews.com/detail.asp?id=132686>
تاریخ درج خبر: ۱۳ شهریور ۱۳۹۱، ساعت ۱۶:۰۸، کد خبر: ۱۳۲۶۸۶.
3. <http://www.19dey.com>
تاریخ درج خبر: ۵ اسفند ۱۳۸۹.
4. <http://www.mardomsalari.com/News.aspx?NID=115110>
تاریخ درج خبر: ۲۳ شهریور ۱۳۹۰، نسخه‌ی شماره‌ی ۲۷۳۰.
5. <http://www.pezeshk.us/?p=26925>
تاریخ درج خبر: ۱۶ شهریور ۱۳۹۰.
6. <http://www.hamshahrionline.ir>
تاریخ درج خبر: ۲۱ تیر ۱۳۹۱، ساعت ۱۸:۵۳، کد مطلب: ۱۷۸۲۲۳.